هو الله - ای ياران قديم و امآء ربّ کريم عليکم بهآء…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٢٧

### هو الله

ای ياران قديم و امآء ربّ کريم عليکم بهآء اللّه و نوره و الطاف يوم ظهوره و عليکم الفضل الموفور و لکم السّعی المشکور. نجف‌ آباد از بدايت طلوع صبح ساطع مستنير و لامع گرديد و تا به حال نفحات قدس در آن کشور مستمرّ لهذا ياران آن ديار و امآء رحمن مقرّب درگاهند، السّابقون السّابقون اولئک هم المقرّبون. عبدالبهآء هرچند در تحرير نامه قصور و فتور نمايد زيرا مجال ندارد و حوادث فرصت ندهد ولی به جان و دل از احبّای نجف‌ آباد مسرور و از ربّ غفور فيض موفور طلبد. ای عاکفان حَرَم پيمان و طائفان کعبه رحمن جمال مبارک روحی لأحبّائه الفدآء نظر عنايت به نجف‌ آباد داشتند و همواره در پيشگاه حضور ذکر آن احبّای ربّ غفور بود. نفوس مبارکی از آن خطّه مبعوث شد که به قربانگاه عشق شتافتند و کف زنان و رقص‌ کنان جان باختند. از عرصه ناسوت به جهان لاهوت تاختند و عَلَم شهادت کبری در ملأ اعلی برافراختند و حال ديگران نيز جانفشانند. اين چه اکليل درخشنده‌ ايست که بر سر دارند. عبدالبهآء در نهايت تضرّع و ابتهال به آستان ملکوت ابهی عجز و نياز نمايد و دوستان آن ديار را مشامّ مشکبار خواهد و نافه اسرار نثار کند. اليوم بايد کلّ به عزمی ثابت و قدمی راسخ و قلبی منجذب و روحی مستبشر به خدمت عتبه مبارکه جمال ابهی قيام نمايند و به عبوديّت آستان مقدّس پردازند. پس تشنگان را آب گوارا گرديد و گمگشتگان را شمع هدی شويد. خفتگان را آهنگ صبحگاه گرديد و مخمودان را گلبانگ سحرگاه. پژمردگان را نسيم عنايت شويد و مردگان را نفثات روح القدس از عالم بالا و اين اعظم الطاف حضرت بهآءاللّه. امروز اعظم امور تبليغ امر اللّه و مبلّغين مقرّبين درگاه کبريآء و شايسته نهايت محبّت و تعلّق قلوب احبّاء اللّه. تا توانيد بکوشيد که مبلّغين جديد مبعوث گردند و به ترويج دين اللّه پردازند. آئين محبّت اللّه پيش گيرند و در انجمن عالم جلوه بی‌ منتهی نمايند.

الهی الهی هؤلآء نفوس مطمئنّة بذکرک راضية بقضائک مرضيّة فی ساحة قدسک ايّدهم بجنود مجنّدة فی الملأ الأعلی و جيوش مشدّدة من ملکوتک الأبهی و اجعل السنتهم اسنّة مشروعة فی ذکرک و سيوفاً شاهرة فی تبليغ امرک حتّی يفتحوا مدائن القلوب و الأرواح بنفحات قدسک انّک انت العزيز المقتدر الرّبّ القيّوم و انّک انت المعطی الوهّاب. عبدالبهاء عباس